

موضوع
موضوع
موضوع

مسالمت وارونه در بخشش ماندلایی

ریشه اخلاق را چه در ذاتی بودن فضیلت در انسان بدانیم و چه در تمایل عقلی آدمی به سود یا حداکثر سود برای همه و چه در رویکرد عاطفی و عقلی او به خیر، چه خیر فردی و چه خیر عمومی؛ اما اخلاق دو حوزه مهم دارد: حوزه فردی و حوزه اجتماعی. بخشش امری است که بیشتر در حوزه اخلاق فردی کاربرد دارد و از آنجا وارد اخلاق اجتماعی و سیاسی شده است.مباحث بحث عدم خشونت در هند که توسط گاندی که از حوزه اخلاق فردی وارد اخلاق جمعی شد و ریشه بحث عدم خشونت در مذهب «جینی» یکی از مجموعه مذاهب هند است، روحانیون این مذهب وقتی که از ملایز عبور می‌کردند همواره طابوسی همراه داشتند و قبل از برداشتن هر گامی جلوی پایشان را جارو می‌کردند تا مبادا پایشان را روی مورچه یا حشرهای بگازلاند (برعکس موبدان زرتشتی که همیشه یک چوب دستی یا میخی سر کج همراه داشتند تا حشرات و موجودات ریز مورچه‌ها را بر سر راه خود بکشند. فردوسی در شاعر میازار موری که دانه‌کش است به همین رویه اعتراض می‌کند) تبدیل اخلاق فردی به جمعی و اجتماعی و جابه‌جا کردن جای آن دو حوزه معمولا نادرست و نیز مضر است، مثلا زهد و کم‌خواهی فردی که در حوزه فردی به فناقت منجر می‌شود، اما اگر همین امر اخلاقی وارد حوزه جمعی شود به عدم رشد و توسعه و گسترش فقر در جامعه منجر می‌شود. مساله بخشش هم همینطور است.

بخشش نیز عمدتا از سوی مذاهب و فلسفه‌های اخلاقی در حوزه رفتار فردی مطرح بوده است و جابه‌جایی آن با حوزه اجتماعی دچار همان سرنوشتی می‌شود که تاریخ مسیحیت به آن خطا دچار شد.بخشش فردی در حوزه جمعی تبدیل به سکوت و سازش با هر ظلم و سطوح پایین مومنان مسیحی اتفاق افتاد گرچه در سطوح فوقانی جامعه و کلیسا محبت و تسامع و بخشش مسیحی جای خود را به سخت‌گیری، تنگ‌فطری و شکنجه‌هنومان‌گردانیش داد. اما جابه‌جایی بخشش از حوزه فردی به حوزه جمعی توسط ماندلا دارای چنین عواقب و درون‌مایه‌های نادرست و مضر نیست، بخشش درگشتمه عمدتا وقتی که از حوزه فردی وارد حوزه جمعی می‌شد کارکردی از بالا به پایین داشت. یعنی سطوح فوقانی قدرت گاه با دادن امان‌نامه یا عفو عمومی یا نظایر آن از جرائم سطوح پایینی جامعه می‌گذشت و آن را مورد بخشش قرار می‌داد، ولی بخشش ماندلایی مسالمت‌وارونه‌ای داشت یعنی قربانیان و افراد سطوح پایینی جامعه قرار است عاملان ظلم و ستم که معمولا در سطوح بالای قدرت جای دارند را مورد بخشش قرار دهند، اما چرا این افراد ماندلایی مورد استقبال قرار گرفت این این امر از آنجا ناشی می‌شود که این اصل در یک زمینه ویژه‌ای کاربرد یافته است و آن زمینه این است که آن ظلم و ستم توسط همگان از جمله از سوی ظالمان و ستمگران نیز مورد توجه و آذعان مشترک قرار می‌گیرد. یعنی خود ستمگران هم می‌پذیرند که به دیگران ستم کردند و در این امر با افکار و وجدان عمومی سهیم و شریکند. به علاوه آنکه سطوح پایینی جامعه از فرصت و امکان مجازات برخوردارند اما در این شرایط مشخص به دلایل گوناگون از جمله مسالحت جمعی و منافع عمومی جامعه و اینکه دور ظلم و سبک معیوب خشونت‌جویان نباید یا فرض بسیاری از خشونت‌گرایان خود قربانی شرایط اجتماعی تلقی می‌شوند یا به هر دلیل دیگری چون توصیه مذاهب به گذشته اخلاقی از مجازات و انتقام‌گیری صرف‌نظر می‌کنند، اما در عین حال بخش دوم این شمار یعنی «فراموش نکن» را به کار می‌بینند. آنها با یادآوری آن ستم‌ها و کالبدشکافی آنکه البته مطمئنا پس از کشف حقیقت صورت می‌گیرد مانع بازتولید و تکرار آن می‌شوند، در اینجااست که این جامعه با نگاه می‌سنیزند نه با کنه‌چرا، با بی‌عدالتی و ظلم درمی‌افتند نه با ظالمان و ناعادلان. به این ترتیب هم جامعه اصلاح می‌شود و هم دور باطل کینه‌ورزی چون رهبری رو به تازید به سر جامعه آوار نمی‌شود.

بدین‌ترتیب در موقعی که هنوز کشف حقیقی صورت نگرفته و وجدان جمعی درباره ستم‌های گذشته و ریشه‌ها و عاملان آن تحقیق نرفته است و بدتر از آن موقعی که بسیاری از اشتباه‌کاران گذشته همچنان به توجیه اشتباهات خود می‌پردازند. (همانند آنچه در جامعه ما اتفاق می‌افتد. ما در دوران مابلق تحقق اصل اخلاقی سیاسی و اجتماعی

«بخشش و فراموش نکن» قرار دادیم)

اما تبلیغ این اصل این خاصیت را دارد که افق دیدمان را بر نفی خشونت و حذف شکل دهیم و به صورت عقلی و عاطفی نیز مبتنی بر تجارب مکرر تاریخی بر این امر آگاه باشیم که قوام جامعه تنها با جهت و گذشت متقابل است. در این صورت است که اخلاق فردی می‌تواند به اخلاق جمعی یاری برساند و آموزه‌هایی چون «بخشش تا بخشیده شوی» باعث اتیانم اجتماعی گردد. ما هم در آموزه‌های مسیحی و هم در آموزه‌های عرفان اسلامی داریم که اهل ایمان را به شددت به گذشت و عفو دعوت می‌کند. عهد جدید می‌گوید خداوند آفتاب و باران خویش را بر بدان و نیکان می‌تابد و می‌فرستد، شما هم مثل پدر آسمانی کامل باشید؛ فقط به دوستان خود خوبی نکنید این کاری است، که اشرار هم می‌کنند. یا می‌گوید: «هر کس با محبت زندگی کند خداوند درون اوست، اگر کسی نتواند به همنوع دینی خود یاری کند چگونه می‌خواهد با خدای نادانینی همکاری کند.» یا قرآن می‌گوید: «بدی و خوبی برابر نیستند اما در برابر بدی یاری خوبی کن آنگاه خواهی دید آنکه بین تو و او نفرت و دشمنی وجود داشته است به دوست مهربان تو تبدیل می‌شود.» همه این آموزه‌ها نوعی لطافت در رفتاری فردی را در طول تاریخ پرورش داده‌اند و حتی گاه هیمنه و عظمت ظالمان را تسلیم لطافت خود کرده‌اند. ولی نمی‌توان از همه انسان‌ها جز معدودی از آنها توقعی این‌چنین داشت. هر نوع آرمان‌گرایی ذهنی چه در حوزه سیاست و چه در دوره اخلاق به شکست منجر خواهد شد نمونه این پدیده را نیز می‌توان در تاریخ مسیحیت جست‌وجو کرد. اما وقتی مظلومان خود قدرت می‌گیرند و اشتباه‌کاران و ستمگران بر کرده خویش متوقف، آنگاه جامعه نیازمند مهربانی فرزانه و انساندوست است که چنین آموزه‌هایی را یاد جامعه آورد و از تکرار اشتباهات تلخ و خشونت‌ناگ انگیزه‌ورزی چون رهبری رو به تازید به سر جامعه آوار نمی‌شود.

میراث ماندگار ماندلا

نویسنده: مسعود پیشش

ماندلا رهبر مبارزه با نژادپرستی ۲۷ سال در زندان آپارتاید بود و پس از آزادی از زندان و یک دوره ریاست جمهوری آفریقای جنوبی به صورت خودخوانسته از صحنه پست های طلهری کناره گرفت. رهبر ۹۰ ساله سیاهان اکنون در قلب هم ازادبخایان دنیا جای دارد. ریچارد استکلن پس از ملاقات با او، در مقاله ای که در مجله تایم منتشر کرده هشت درس رهبری نلسون ماندلا را برشمرده است:

- شهامت در ترس نمانی
خلاقه نمانی
شود شهامت، واداشتن دیگران به رهبنی از ترس است. او ماجرائی را نقل می کند که یکبار در هوایماتی که ماندلا حضور داشت شرایط خطرناک اضطراری پیش آمد و در آن وضعیت سکون و وقار ماندلا که در خواندن روزنامه مشغول بود نگاه مضرب مسافران را به خود جلب می کرد و به آنها آرامش می داد. وقتی هوایما با مهارت خلبان به زمین نشست او به همراهش گفت:اون بالا خیلی ترسیدم!
- پیشاز باشدید و از جلو رهبری کنید
اما همواره چشم به رهروان خود داشته باشید. او با حفظ اصول واهداف تاکتیکی های مختلفی برای گفتگو با طیف وسیع رهروان و حتی مخالفانش بکار می گرفت. او عملگراترین ایده ایست است. زندان او به بلندنگری را آموخته بود. او روزها و هفته ها نامی نداد دید، دهها سال را فرایند داشت.
- ششپان باشدید و از پشت رهبری کنید
وبگذازید دیگران باور کنند که آنها پیشاز هستند. او به مردم نمی گفت چه بکنند. در بحث ها، او بیشتر گوش می داد و زود وسط معر که بحث نمی پرید. در نهایت، آرام و روشمند سخنان همه را به گونه ای رهبریتش فراتر میبرد که مردم از او نیز بیخ تعلیمی در جهت راری او نیز نبود. هوشمندی رهبری او این بود که اجازه به داد خودش نیز رهبری شود. او خود رهبری را در این می دانست که مردمان متقاعد شود کاری را انجام دهند و بیندیشند که آن کار ایده خود آنها بوده است.
- دشمن خود را شناس و فوت و فن های او را یاد بگیر.
او زبان و تاریخ و حتی بازی های ورزشی سفید پوست های آفریقای جنوبی را بخوبی فرا گرفت تا به روز مقلبه با مذاکره از آن بهره برد و قدرت و ضعف و روشهای آنها را بشناسد. از این راه توانست مشرفاتکات پایینی سیاهان و سفیدان را نیز کشف و استخراج کند. او دریافت که توده سفید نیز مانند متعلق به آفریقا می داند و آنها نیز مانند سیاهان قربانی استعمارگران سفید انگلیسی هستند. ماندلای حقوقدان حتی در زندان نیز در جهت احقاق حق زندانیان سفید خود تلاش می کرد.
- به دشمنان خود نزدیک شوید و به رقیبان خود حتی نزدیک تر.
ماندلا با همه حشر و نشر داشت و همه را شقیته اخلاقی خود می کرد. این شیفتگی بیش از دوستان و همراهانش، رقیبان او را مسحور می کرد. او بر این باور بود که زیر چتر او رن رقیبان رهایی برای کنترل آنان است چون خارج از این چتر خطر آنها بیشتر است. او باور داشت که مردم بر اساس علایق خود عمل می کنند و این را یک واقعیت طبع آدمی می دانست نه یک عیب یا ننگ. پس به آنها اعتماد می کرد و با اعتمادپذیرها نیز به شیوه شقیته ساختن آنها برخورد می کرد.
- ظاهر هم مهم است.
لبخند را نباید فراموش کرد. او در زمانی که دانشجوی فقیر حقوق بود شیک می پوشید و از همان موقع لبخند بر لب داشت. لبخند هماره او دندلهای سفیدش را چون خورشیدی که در روز لبری رخ می نماید نشان می داد. بعد از ۲۷ سال اسارت زندان با هزاران تلخی اش وقتی رهائی یافت تلخ نمی نمود و جز هیجان مثبت و لبخند از خود بروز نمی داد. همواره می گفت: گذشته را فراموش کنید.
- هیچ چیز سفید یا سیاه نیست. نگاه او صفر و یک نبود. پیام او این بود که زندگی هرگز یا این یا آن نیست. تصمیم گیری دشوار و پیچیده است و متغیرهای زیادی در آن مثر است. او با زندگی آکنده از تناقض ها خوگر شده بود. به آمریکائی ها هاتان می کرد که همه چیز را سفید و سیاه می بینند در حالی که ریشه مسائل، حتی پدیده ای همچون نژادپرستی، بسی پیچیده است.

۸ دست داشتن از برخی نظرات جزئی از رهبری است. یک بار او بر اساس یک پژوهش، پس رای دهندگان را به ۱۴ سال کاهش داد و آن را در تلویزیون اعلام کرد. اما وقتی پشتیبانی همقرانش را ننید و دریافت که در این روزگار کاربرد ندارد فرتانه و بدون تشرؤنی آن تصمیم را منقو اعلام کرد. کنار ننهان تصمیم اشتباه از دشوارترین تصمیم های یک رهبر است. ماندگارترین میراث ماندلا به عنوان رئیس جمهور آفریقای جنوبی انتخاب ترک قدرت پس از یک ریاست بود وقتی در سال ۱۹۹۴ در لوج محبوبیت انتخاب شد می توانست رئیس جمهور مادام العمر شود. این کمترین هدیه ملت به او به پاس تحمل سالهای طولانی زندان برای آزادی آنها بود. اما او بر خلاف دیگرانی چون موبگبه کنار رفت. او می دانست که بهرمان بیش از آن که با کارهایی که انجام می دهند رهبری کند با انتخاب کارهایی که انجام نمی دهند رهبری می کنند

Leaders lead as much by what they choose not to do as what they do

فیلم تلویزیونی «آخر بازی»

محبوبه حسین زاده

به دنبال پیروزی کنگره ملی آفریقا در سومین دوره انتخابات عمومی، امروز (۲۷ آوریل) مراسم معارفه «تابوامبکی» به سمت ریاست جمهوری آفریقای جنوبی برگزار می‌شود.۲۷ آوریل مصادف است با مراسم معارفه «نلسون ماندلا» در ۱۰ سال پیش جنوبی.با وجود گذشت یک دهه از استقار دموکراسی در آفریقای جنوبی که نتایجی همچون برقراری آرامش عمومی و بهبود روابط بین سفیدپوستان و سیاه پوستان را به دنبال داشته، انتخابات در این کشور همواره درگیر مسائل نژادی و قومی بوده است. به قدرت رسیدن کنگره ملی آفریقا در سال ۱۹۹۶ که پایانی بر حکومت رژیم نژادپرست آپارتاید بود، باعث شکل گیری و فعالیت ۸۰ گروه افراطی سفیدپوست در آفریقای جنوبی شده است.

بعضی از این گروه ها دارای کاراکتر مبهم شبیه نظامی و برخی دیگر دارای گرایشات مذهبی هستند و اعضای آنان، اقدامات خود را بر روی گروه ها و طبقات مختلف اجتماعی متمرکز کرده اند. تمامی این گروه ها، بهانه مبارزات خود را «حساس محرومیت به دلیل زندگی کردن تحت نفوذ دولت کنگره ملی آفریقا بیان می کنند، ولی هر گروه به طور جداگانه از برتری نژادی گروه متبوعش دم می زند. دو ماه قبل از برگزاری انتخابات، گروه افراطی سفیدپوست که با نام جنگجویان قوم بوئر شهرت یافته اند، موجی از حملات تروربستی در شهرهای فقیر و سیاه پوست نشین آفریقای جنوبی به راه انداختند. این گروه هدف حملات خود را پایان دادن به دولت کنگره ملی آفریقا بیان کرده و خواستار آزادی ۳۵

دیدار نلسون ماندلا با رهبر انقلاب



آقای نلسون ماندلا رهبر کنگره‌ی ملی آفریقا (۳۱/۰۴/۱۳۷۱) در محل اقامت مقام معظم رهبری با حضرت آیت‌الله خامنه‌ای رهبر انقلاب اسلامی دیدار کرد و طی آن بر تأثیر مستقیم پیروزی انقلاب اسلامی ایران در امید بخشیدن به مردم آفریقای جنوبی برای پایداری و مبارزه علیه رژیم نژادپرست حاکم بر این کشور تأکید کرد.

در این دیدار مقام معظم رهبری مقاومت رهبر کنگره‌ی ملی آفریقا در مبارزه علیه رژیم نژادپرست آفریقای جنوبی را مورد ستایش قرار دادند و مراتب ایمان و اعتقاد ملت ایران به حقانیت مبارزات مردم این کشور را خاطر نشان ساختند.

آقای نلسون‌ماندلا در اظهاراتش بارها از حضرت آیت‌الله خامنه‌ای به‌ عنوان رهبر خود یاد کرد و افزود: انقلاب اسلامی ایران تحت رهبری امام خمینی امیده‌ای فراوانی را برای قیام مردم آفریقای جنوبی در مبارزه علیه بی‌عدالتی به همراه داشته است و بدون تردید تاریخ هرگز نقش ایران اسلامی را فراموش نخواهد کرد.

ملاقات با رهبر انقلاب بزرگی که جهان را تحت تأثیر قرار داده است برای منن امیدبخش و موجب افتخار بزرگی است ومردم آفریقای جنوبی اکنون برای شنیدن گزارش دیدارهای من با رهبر بزرگ انقلاب و مقامات عالی‌رتبه‌ی جمهوری اسلامی ایران به انتظار نشستند.

رهبر کنگره‌ی ملی آفریقا از استقبال گرم مقامات جمهوری اسلامی ایران از وی و هیأت همراهش تشکر کرد و با اشاره به جایگاه با اهمیت اسلام در آفریقای جنوبی در کنار دیگر ادیان گفت:ما نسبت به اسلام بیگانه نیستیم، برجسته‌ترین رهبران مسلمانان آفریقای جنوبی در کنگره ملی آفریقا حضور و نقش مؤثری دارند و تأمین حقوق تضییع شده‌ی مسلمانان در کشورم از جمله اهداف و خواسته‌های ماست.

وی بر این نکته که قبل از ترک کشورش مجدانه خواستار زیارت مرقد مطهر امام خمینی شده بود تأکید کرد و گزارش کاملی را از روند مبارزات مردم آفریقای جنوبی برای احقاق حقوق تضییع شده خود به استحضار مقام معظم رهبری رساند.

آقای ماندلا همچنین به کمبکهای مستمر اروپا و آمریکا به رژیم آفریقای جنوبی اشاره کرد و افزود:

این رژیم در تمام دوران حیات خود از حمایت غرب برخوردار بوده است و ما که اکنون در آستانه پیروزی قرار گرفته‌ایم هرگز با حامیان دشمن خود متحد نخواهیم شد و به هیچ‌وجه به غرب متکی نخواهیم بود.

نفری شده بودند که به اتهام حملات تروربستی در زندان به سر می بردند. کلیه این اقدامات تروربستی در حالی صورت می‌گیرد که ۶۰ درصد جامعه ۴/۴ میلیون نفری سفیدپوست آفریقای جنوبی، خشونت و افراط گری هم میهنان خود را محکوم کرده اند.

در حالی که حزب «جدید ملی» برای پیشبرد اهداف و منافع اقلیت سفیدپوست، فعالیت خود را در مؤسسات متمرکز کرده، «گروه ۶۳» که از روشنفکران و دانشگاهیان سفیدپوست تشکیل شده و به نام نمایندگان جامعه آفریقایی شهرت یافته است، فعالیت خود را بر حملات تروربستی متمرکز کرده است. اقدامات گروه خشونت طلب ۶۳ و حمایت علنی آنان از خشونت‌گرایان مسودر نکوهش رهبر حزب جدید ملی و رئیس دولت منطقه «کابوی غربی» قرار گرفته است.امبکی هم در عین اظهار تمایل به همکاری با همه گروه های جامعه برای حل مشکل به وجود آمده از جناح بندی های گروه های اقلیت، به گروه های افراطی سفیدپوستی احتطار داده است.

وی گفت: «با وجود حمایت از جان و اموال شهرنشینان، راه هسای مشخص قانونی را علیه کسانی که برای رسیدن به اهداف شخصی، تصمیم به برگرداندن خشونت در آفریقای جنوبی دارند، به کار خواهیم گرفت.»امبکی که در سال ۱۹۹۹، برای نخستین بار به سمت ریاست جمهوری برگزیده شده بود، برای حل مسائل و مشکلات مطرح دوره پنج ساله رئیس جمهوری ماندلا، اداره حکومت «بدون غرور و همراه با مسئولیت» را به آفریقای جنوبی وعده داد. بیکاری ۳۵ درصدی جمعیت فعال آفریقای جنوبی و فشارهای خردکننده توسعه نیافتگی در شهرهای سیاه پوست نشین که به حاشیه رانده شدن

روزبه علمداری: از هنگامی که سیدمحمد خاتمی، رئیس‌جمهور اصلاح‌طلب ایران در صحن مجمع عمومی سازمان ملل متحد، به نمایندگی از ملت ایران «گفت‌وگوی تمدن‌ها» را به عنوان راهی جدید برای نیل به صلح و تفاهم، به جهانیان پیشنهاد داد و به فعالیت‌های گسترده بین‌المللی و مدنی در جهت پیشبرد این ایده پرداخت، بسیاری از تحلیلگران مسائل جهانی، شخصیت وی را با نلسون ماندلا، رهبر بزرگترین نهضت ضدنژادپرستی قرن بیستم مقایسه کرده و آن دو را سالکان یک مسیر واحد برای سعادت بشریت معرفی کرده‌اند. مسیری برای صلح و عاری از خشونت. هر دو رهبر سیاسی، پس از خروج از قدرت اقدام به تأسیس نهادهای مدنی زدند تا بتوانند ایده‌های خود را با فراغ بال بیشتر پیگیری کنند؛ هرچند که خاتمی به دلایل گوناگون، از جمله شرایط خاص سیاسی در داخل ایران و منابع محدود مالی نتوانسته است مانند ماندلای آفریقای که اکنون دیگر «جهانی» شده است، اهداف و ایده‌های خود را برپاورد کند، اما وی بارها

در سخنرانی‌های خود از بنیادهای تأسیس شده توسط ماندلا به عنوان الگویی موفق از فعالیت‌های مدنی یاد کرده است. همین عوامل به‌انه‌ای شد تا با رئیس‌جمهور سابق ایران گفت‌وگویی انجام دهیم و دیدگاه‌هایش را نسبت به رهبر جنبش بزرگ ضد آپارتاید که در آستانه صد سالگی است، جويا شویم.

برای آغاز گفت‌وگو می‌خواستم این پرسش را طرح کنم که به نظر حضرت‌تعالی چه ویژگی‌هایی «نلسون ماندلا» را از سایر انقلابیون و چهره‌های سیاسی قرن بیستم متمایز می‌کند؟

نلسون ماندلا مبارز بزرگ با استعمار و نژادپرستی و از جمله رهبرانی است که در مبارزه خود به پیروزی رسیده است؛ گرچه در این راه سختی فراوان کشیده و هزینه سنگینی پرداخته است، از جمله بیش از بیست سال از پرنشاطترین دوران عمر خود را در زندان به سر برده است. نلسون ماندلا نماد پیادری و مبارزه با بی‌عدالتی و استعمار در دوران ما است. اما مهم‌تر از همه اینکه او یک انسان والا است. اگر بخوایم مقایسه داشته باشیم، من «ماندلا» را می‌توانم با «گاندی» مقایسه کنم. گاندی هم وجودش محبت و عشق است. توفیق این مرد بزرگ ویژگی و عشق به رهایی سرزمینش از سلطه بیگانه، ولی در این شخصیت نشانی از کینه، حتی نسبت به سرسخت‌ترین دشمنانش نمی‌بینید. ماندلا نیز چنین است، با این تفاوت که او با زشت‌ترین و بدترین شکل استعمار که در چهره کره نژادپرستی و آپارتاید ظاهر شده بود مبارزه کرد. امری که به این صورت در هندوستان وجود نداشت، هرچند که هندوستان مهم‌ترین پایگاه بسط قدرت استعمار بریتانیا در حساس‌ترین نقطه عالم بود. ماندلا در مبارزه خود پیروز شد. گرچه پیش‌تر نیز در زیمبابوه که در زمان حاکمیت استعمار «رودزیا» نام داشت مردم آپارتاید را از پای درآورده بودند، ولی پس از آن کمتر شاهد حاکمیت واقعی مردم بر سرنوشت خود در این کشور بودیم. این تنها سفیدپوستان نبودند که مورد غضب قرار گرفتند، بلکه با استقرار نوعی خودکامی مردم همزمان شد نیز آنگونه که باید طعم آزادی و پیشرفت را تجربه‌اند. ولی ماندلا نه تنها آخرین نفس‌های نژادپرستی را گرفت، بلکه پس از پیروزی در دشمنان خود نیز با مهربانی رفتار کرد و مردم آزاد شده را نیز در جایگاه رفیع حاکمیت بر سرنوشت خود نشاناد و با اینکه قهرمان پلایمان و محبوب نه تنها در آفریقای جنوبی، بلکه تمام افریقا و حتی مورد احترام در همه جهان بود، فقط به عنوان رئیس‌جمهوری که مردم به او رأی داده بودند چند صباحی مسئولیت را پذیرفت و بعد هم با شیوهای دموکراتیک (البته به خواست خود) سمت رسمی

فعالیت ها و تصمیمات مهم اقتصادی در این مناطق را به همراه داشت، جزء مسائلی بودند که امبکی از همان ابتدای ریاست جمهوری با آن مواجه بود. جمعیت سیاه پوستی که پس از کسب حقوق و آزادی های سیاسی، آرزوی پیشرفت مادی را در سر می پروراند، بحران هسای اقتصادی ناشی از کاهش قیمت طلا و (کاهش) سرمایه گذاری های خارجی و لزوم سرمایه گذاری های اجتماعی برای حفظ حضور این کشور در عرصه اقتصاد بین المللی، امبکی را با وضعیت پیچیده ای مواجه ساخته بود.ایده ایجاد بورژوازی سیاه پوست، به عنوان اولین گام برای دستیابی به بهبود وضعیت اقتصادی اکثریت جامعه، آفریقای جنوبی، سازماندهی مجدد تشکیلات کار، گسترش شرکت های کوچک و متوسط به عنوان تنها راه عملی کردن وعده ایجاد اشتغال و سرعت خصوصی سازی ادارات عمومی به خصوص در بخش حمل و نقل و ارتباطات جزء اقدامات مهم و قابل ستایش دوره اول ریاست جمهوری امبکی محسوب می شود.

اما بلافاصله بعد از این اقدامات مثبت، تئوری عجیب و دور از ذهن مطرح شد توسط امبکی باعث تعجب جوامع بین المللی و علمی شد. امبکی مدعی شد ویروس HIV، عامل بیماری ایدز نیست؛ فرضیه ای که تنها ارزش مطرح شدن در کشوری را دارد که ۱۰ درصد جمعیت آن از این بیماری رنج می برند.امبکی در سپتامبر سال ۲۰۰۰، به دلیل فشاری که توسط حزب متبوعش به او وارد می شد، پذیرفت که HIV به یکی از راه های به وجود آمدن بیماری ایدز است. همچنین امبکی از فشارهای منازعات بین مبارزان ملی گرای سیاه پوست بر سر تصاحب مسئولیت

E-mail: mostagheldaily@gmail.com

در فیلم تلویزیونی «آخر بازی» که در سال ۲۰۰۹ میلادی ساخته شد، کلارگ پیترز، نقش ماندلا را بازی کرد و فیلم تلاش می نماید تا روز های پایانی حیات نظام آپارتاید را به تصویر بکشد. البته فیلم تلویزیونی ماندلا و دکلرک که در سال ۱۹۹۷ میلادی ساخته شد، سیدنی پواتیه، بازیگر شهیر هالیوود را بر آن داشته تا در نقش ماندلا حضور یابد. دکلرک، رییس جمهور سابق آفریقای جنوبی بود که در سال ۱۹۹۰ میلادی، بیانیه پایان دوران سیاه تبعیض نژادی را اعلام کرد و این امر سر آغازی نوین در تاریخ مبارزات ضد نژاد پرستی در آفریقا شد.

ده سال پس از ماندلا



های دولتی امتناع می ورزید، حتی پس از انتشار تصادفی (اتفاقی) این قضیه، همواره با همکاری رفیق و هم قطار قدیمی خویش در جنگ های آزادسازی سیاهان، سعی در توجیه این مسئله داشت و هیچگاه فساد اداری و مالی به وجود آمده در سیستم اقتصادی کشور را نپذیرفت.

با وجود کلیه مسائل ذکر شده، تعصبات قومی و نژادی باعث شد تا یک بار دیگر کنگره ملی آفریقا که حامی سیاه پوستان نام گرفته است، پیروز رقابت های سومین انتخابات دموکراتیک در این کشور باشد. اتحاد دموکراتیک (رقیب اصلی کنگره آفریقا) نیز که با عنوان «هرد نبرد» و با وعده ایجاد یک میلیون شغل، درمان ایدز و محاکمه دستنگاه های اداری و مالی فاسد و با شعار «آفریقای جنوبی لیاقت بیشتری دارد» به میدان آمده بود، تنها به صرف شناخته شدن با نام حزبی که «سفیدپوستان را ترجیح می دهد» از گردونه رقابت حذف شد و بدین ترتیب تابوامبکی یک بار دیگر بر صندلی ریاست جمهوری آفریقای جنوبی تکیه خواهد زد.

خاطرات محمد خاتمی از نلسون ماندلا: مرا رییس‌جمهور من خطاب می‌کرد

منطقه‌ای، و قرنی که به پایان آن می‌رسیم؛ قرن ترور هم بود (هنوز جریان ۱۱ سپتامبر واقع نشده بود) و بدترین شکل ترور، تروریسم دولتی که از جمله کشورهای قدرتمند علیه کشورهای ضعیف در بسیاری از جاها از جمله آفریقا و آفریقای جنوبی اعمال کردند. وجود و رفتار و زندگی شما یک «نه» بزرگ به همه این زشتی‌ها و پيامی بود به همه انسان‌ها.

درس و پیام ديگر شما این بود که ما صلح و آزادی می‌خواهیم، ما نه به اصطلاح صلح تحمیلی (که عین ستم است) بلکه صلح پایدار که بر پایه عدالت استوار است. عدالت در صحنه داخلی کشورها به صورت دموکراسی و عدالت در صحنه بین‌المللی یعنی تغییر روابط ستم بنیاد و تبعیض‌آمیز به روابط مبتنی بر احترام و منطق و… و بعد گفتیم شما متولد ۱۹۱۸ هستید، و یک ربع قرن از من بزرگ‌ترید و شخصیت ما تحت تأثیر بزرگانی چون شما بوده است و از نظر معنوی جایگاه والایی داشتید و الگو بودید چنان که امام خمینی نیز از مردان بزرگ تاریخ معاصر و الگو برای همه ما بودند که هم دین را می‌خواستیم و هم حرمت و آزادی و پیشرفت انسان را.

فکر می‌کنید آیا اندیشه‌ها و سیره عملی ماندلا در ابتدای هزاره سوم برای بشریت کاربردی دارد؟ اصولاً به نظر شما، مهم‌ترین میراث ماندلا برای مردم آفریقای جنوبی و جهان چه بوده است؟

ماندلا ابتکار مرا برای گفت‌وگوی تمدن‌ها می‌ستود و معلوم بود که با من هم نظر است؛ او نیز به گفت‌وگو و تفاهم به عنوان سرمشق (و پارادایمی) برای هزاره سوم به جای پارادایم جنگ و خشونت و نفرت در قرن بیستم، می‌نگریست و به نظر من، میراث مهم ماندلا برای آفریقای جنوبی، پایدار کردن مردم‌سالاری و استوار کردن زمینه استیغای حقوق همه شهروندان بود که سبب شد پس از آزادی نیز آفریقای جنوبی به لحاظ اقتصادی و صنعتی و اجتماعی برخلاف بسیاری از کشورهای رهیده از قید استعمار همچنان مسیر قابل قبول خود را به سوی پیشرفت طی کند. میراث ماندلا برای جهان هم دعوت به تفاهم و احترام متقابل در عین یافشاری به حقوق محرومان است.

به نظر شما، بازخوانی تجربه ماندلا در کشوری مانند ما نیز مفید خواهد بود؟ اصولاً سیره عملی و نظری ماندلا برای روشنفکران و اصلاح‌طلبان ایرانی چه درس‌هایی می‌تواند داشته باشد؟

مهم‌ترین درس ماندلا برای همه اصلاح‌طلبان واقعی در جهان این است که تنها راه رسیدن به اهداف، اتخاذ شیوه‌های مدنی است. خشونت اگر هم در لحظه‌ای موفق شود، هیچ‌گاه نمی‌تواند زندگی مطمئن و آرامش‌بخشی را در درازمدت برای مردم تأمین کند. اصولاً خشونت ابزار دست کسانی است که فاقد منطق هستند. خشونت مهم‌ترین ابزار ستم مستبدان است. کسانی که با شیوه‌های خشونت‌آمیز با استبداد و استعمار هم مبارزه می‌کنند اگر هم پیروز شوند، خشونت جدیدی را جایگزین خشونت قدیم خواهند کرد. برای حسن ختام در صورت امکان این گفت‌وگو را با خاطره و با نکته‌ای ناگفته و مذاکرات و گفت‌وگوهای دانشجویانه با ماندلا پایان دهیم. به یاد داریم ایشان در پایان دوره خود از من خواستند که از مسلمانان بخواهیم که گسترده و با نشاط در انتخابات (که به ریاست‌جمهوری آقای امبکی منجر شد) شرکت کنند، زیرا انتخابات و دموکراسی را راه رهایی و برابردی کشور می‌دانست. من نیز طی پیامی مسلمانان را دعوت به حضور فعال کردم. ایشان بعد از انتخابات به من تلقن و از من تشکر کردند و گفتند توصیه شما کاملاً مؤثر بود و همه اقبال از جمله مسلمانان در انتخابات شرکت کردند که خود مایه تقویت حاکمیت ملی و استقلال کشور ما است.